

راهکارهای اقتصادی و سیاسی در کانادا



◆ حسین انصاری

اشاره

حسین انصاری پسر حاج شیخ مرتضی انصاری از سرمایه داران معروف ایالت کبک کانادا و این کشور است که در گزارش زیر به بررسی وضعیت سال ۲۰۰۵ پرداخته و توصیه‌هایی را به هموطنان ایرانی کرده است. از آن جا که وی یک صاحب نظر سیاسی- اقتصادی است دیدگاه‌هایش نیز از اهمیت به سزایی برخوردار می باشد.

لازم به توضیح است که ما مهاجرین، با توجه به تغییرات بسیار اساسی اقتصادی و اجتماعی، که موج عظیم آن از ۲ سال پیش شروع شده، بیش از هر وقت دیگر نیاز به آگاهی و آمادگی و همفکری داریم بیش از دو دهه از آغاز مهاجرت می گذرد و اکثر ما مهاجرین برای سازندگی و برآزندگی حدود ۱۰ سال وقت داریم و ائتلاف وقت به هیچ وجه جایز نیست. اجازه بفرمایید که چند اصل مهم اقتصادی را که در سال ۲۰۰۵ نقش اصلی را بازی خواهند کرد توضیح دهم. این توضیحات برای ایجاد یک چارچوب فکری برای برنامه‌ریزی مالی و اقتصادی است.

اصل اول

ارزش دلار کانادا

دلار کانادا در ۱۰ سال گذشته سیر صعودی خود را همچنان ادامه داده است. دو پدیده به رشد دلار کمک کرده است. پدیده اول آن که، نیروهای

اقتصادی دنیا پشتیبانی بی چون و چرای خود را از اقتصاد بیمار آمریکا که مبنی بر قلندری و تجاوز و زورگویی و تهدید و جنگ می باشد متوقف کرده اند. بزرگترین نیروی اقتصادی جهان، کشور چین، توسعه اقتصادی و نیازهای تولیدی خود را بیش از هر وقت، به کانادا و اروپا محدود کرده است.

پدیده دوم آن که، در کانادا تعداد مهاجرین کم و بیش از تعداد بومیان تجاوز کرده است. مهاجرین برای زندگی بهتر به کانادا آمده اند و طبیعی است که خواستار استاندارد وسیع زندگی باشند. استاندارد وسیع زندگی، جمعیت کانادا را به یک نیروی مصرف کننده عظیم تبدیل کرده که همین امر باعث شده تاثیرات منفی ارزش بالای دلار که همان رکود صادرات می باشد، توسط رشد و افزایش تقاضا در داخل کشور خنثی شود.

آنچه که مسلم است ارزش بالای دلار کانادا در مقابل دلار آمریکا همچنان به قوت خود باقی خواهد ماند و حداقل تا ۱۰ سال دیگر نیز ادامه خواهد داشت.

اصل دوم

فاصله بین پولدارها و بی پول ها

هر چند که تعریف پولدار و بی پول یک تعریف نسبی است و یک پولدار، به احتمال زیاد از دیدگاه فردی دیگر بی پول تلقی می شود اما اگر فرض بر این باشد که افراد از طریق فعالیت و شغل پولدار شوند، تفاوت پولدار و بی پول مشخص می شود، آنچه که بیش از همه در کانادا مشهود است پولدار

شدن از طریق عدم فعالیت است. اگر دو فرد را که شغل و درآمد مشابهی دارند را مقایسه کنیم که یکی از آنها ۱۰ سال پیش یک ملک تجاری خریده باشد و دیگری همچنان به فعالیت ادامه داده امروزه آنچنان شکاف بین این دو نفر به وجود آمده که به این زودی ها قابل ترمیم نیست. ارزش املاک تجاری در ۱۰ سال گذشته تا ۵ برابر رشد کرده است این نوع دارایی، دارایی بدون فعالیت است که معمولاً یکپارچگی اجتماعی را به خطر می اندازد و ناآرامی و اعتراض و ناامیدی برای یک گروه و رشد بدون توقف برای گروه دیگر ایجاد می کند. دولت کانادا با پایین نگاه داشتن نرخ بهره ها تا حد زیادی تاثیر منفی این پدیده را خنثی کرده لذا اکینا توصیه می کنم تا زمانی که نرخ بهره ها پایین هستند اقدام به توسعه اقتصادی خود نکنید تا این شکاف و فاصله و فاصله بین دو گروه بالا متوقف شود.

انتظار می رود که نرخ بهره ها همچنان در سطح پایین باقی بماند تا از یک طرف، تاثیرات منفی دلار گران کانادا را خنثی کند و از طرف دیگر برای کم پول ها و کم سرمایه ها موفقیت رشد را ایجاد سازد. نرخ بهره ها یکی از عوامل مهم و تعیین کننده در سال ۲۰۰۵ خواهد بود.

اصل سوم قیمت نفت

بدون شک جنگ های اخیر و کشور گشایی های آمریکا در بالا بردن قیمت نفت بی تاثیر نبوده است اما علت اصلی رشد قیمت نفت فاصله بین تقاضا و تولید می باشد، نیاز دنیا به طور

مصنوعی به انرژی نفتی همچنان گسترش یافته ولی تولید و استخراج بی سابقه نفت جواب تقاضای دنیا را نمی دهد. بزرگ ترین نیروهای اقتصادی دنیا که همان چین و هندوستان می باشند در حال رشدی بی سابقه هستند و آنچنان تقاضایی برای انرژی نفتی ایجاد کرده اند که در سال های اخیر سرمایه گذاری در بخش استخراج و تولید نفت به طرز بی سابقه ای رشد کرده است. مسلما این سرمایه گذارها برای کوتاه مدت نیست و بهتر است که همه ما به انرژی گران و بنزین لیتزی یک دلار عادت کنیم. قیمت نفت خام بین ۴۵ تا ۵۰ دلار آمریکا تثبیت خواهد شد و همچنان به قوت خود باقی خواهد ماند.

در سال ۲۰۰۴ اهالی کانادا ۵/۵ میلیارد دلار بیش از سال ۲۰۰۳ برای بنزین اتومبیل های خود هزینه کردند و این عامل همچنان در شمال آمریکا ادامه خواهد یافت. لازم به توضیح نیست که می بایستی برای خنثی کردن تاثیرات منفی این خرج اضافی و دائمی، آمادگی کافی داشته باشیم. اداره آمار کانادا گزارش می دهد که کاناداییان به علت زندگی در محیط سردسیر، به میزان ۲۰ درصد بیشتر از آمریکاییان از انرژی نفتی استفاده می کنند و این آمار می بایستی برای کاناداییان قابل توجه باشد.

اصل چهارم - مهاجرت

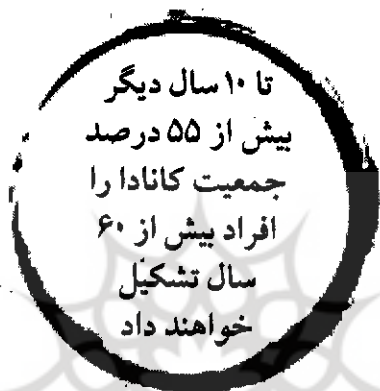
جمعیت شمال آمریکا، رفته رفته سالخورده می شود. تا ۱۰ سال دیگر بیش از ۵۵ درصد جمعیت کانادا بیشتر از ۶۰ سال خواهند داشت. این پدیده منفی از ۲ طریق خنثی می شود:

اول - تشویق خانواده های کانادایی به داشتن فرزندانی بیشتر، آنچنان که باید و شاید موفق نبوده است.

دوم - باز کردن مرزها به روی مهاجرین! به نظر می رسد که روش دوم سریع تر و موثرتر از روش اول نتیجه دهد. در ۱۰ سال آینده کانادا به پانزده میلیون نیروی انسانی جوان و کوشا نیاز خواهد داشت.

به همین دلیل سیاست های وزارت مهاجرت تغییرات اساسی پیدا کرده است و هم ما شاهد ورود مهاجرین از تمام نقاط دنیا به خصوص از چین و هندوستان خواهیم بود. ورود مهاجرین و طبعا جمعیت بیشتر، رشد اقتصادی کانادا را تثبیت خواهد کرد و ارزش املاک رو به رشد و کسب های

سرویس دهنده مانند غذا و پوشاک و مدرسه و امنیت و غیره همچنان مورد تقاضای بی سابقه خواهند بود. سرویس های پزشکی و سلامتی بیش از هر وقت دیگر مورد نیاز خواهند بود. فراموش نکنید که مهاجرین نیاز به رشد و توسعه استاندارد زندگی و مسن ترها نیاز به سرویس های پزشکی و سلامتی و کیفیت زندگی دارند. اصل چهارم و ورود مهاجرین یکی از مثبت ترین و سازنده ترین پدیده های ۱۰ سال آینده خواهد بود.



اصل پنجم - املاک مسکونی و تجاری

سال ۲۰۰۴ سالی بود که املاک مسکونی و تجاری بسیاری از رکوردها را شکستند. میزان ساختمان سازی در ۱۷ سال گذشته به میزان سال ۲۰۰۴ سابقه نداشته است.

کاناداییان بیش از هر وقت دیگری برای تعمیر و نوسازی خانه ها اقدام کردند. مغازه های زنجیره ای برای فروش لوازم خانه و تعمیرات، بالاترین فروش را اعلام کردند... شکی نداریم که اصل ملک و املاک یکی از مهم ترین اصول زندگی در سال ۲۰۰۵ و حتی تا ۱۰ سال دیگر باشد. سیکل املاک که یک دوره ۱۲ ساله دارد می بایستی در سال ۲۰۰۸ در پایین ترین سطح خود باشد، اما هنوز خبری از رکود دیده نمی شود. برای دومین بار در تاریخ اقتصادی کانادا وقایع گذشته نموداری از وقایع آینده نیستند و پیش بینی اوضاع املاک زیاد ساده نیست زیرا نمی توان با هیچ مکان اقتصادی دیگری آن را مقایسه کرد. بدون شک، اگر هجوم مهاجرین ادامه یابد (که حتما ادامه خواهد یافت) و اگر قیمت نفت و سرمایه گذاری

در حوزه استخراج و حفاری ادامه یابد (که حتما ادامه خواهد یافت) و اگر نرخ بهره ها در سطح امروز باقی بماند (که احتمال خیلی زیاد خواهد ماند) و اگر نرخ دلار همچنان بین ۸۴ و ۸۶ سنت آمریکا باقی بماند (که خواهد ماند) تنها حوزه نگرانی، اوضاع سیاسی کانادا است (اوضاع خاص کبک فراموش نشود)، به نظر من قیمت املاک مسکونی و تجاری همچنان سیر صعودی خود را ادامه خواهند داد. احتمالا معاملات را کم می شوند (زیرا در چند سال گذشته بازار اشباع شده است) اما قیمت ها پایین نخواهد آمد. (البته قانون عرضه و تقاضا را فراموش نکنید).

اصل ششم -

فعالیت بیشتر... درآمد بیشتر

اگر ما مهاجرین خیال داشته باشیم درآمد بیشتری در سال ۲۰۰۵ داشته باشیم، باید به همان رسم قدیم انجام دهیم و میزان فعالیت خود را گسترش دهیم. سال ۲۰۰۵ سالی نخواهد بود که از طریق املاک و سرمایه گذاری پولدار شویم (حداقل تا پایان سال ۲۰۰۵). اضافه حقوق ها در حدود ۳/۴ درصد باقی خواهد ماند که تقریبا با سال گذشته تفاوتی نداشته است. کمپانی های خصوصی و دولتی پاداش هایی را بر اساس میزان فعالیت در نظر خواهند گرفت اما حقوق ها را اضافه نخواهند کرد. کمپانی های خصوصی بیشتر و بیشتر به حالت سهامی و عمومی و قابل عرضه در بازار سهام تبدیل خواهند شد. قانون جنگل در جنگل اقتصادی اجرا خواهد شد و قوی ترها، ضعیف ها را پایمال خواهند کرد. تنها عاملی که تغییراتی را در این زمینه ایجاد خواهد کرد موج بازنشستگی در چند سال آینده خواهد بود. در غیر این صورت استخدام به سبک پیمانی و قراردادی و پروژه ای جنبش جدیدی است که همواره داغ تر می شود. در سال ۲۰۰۴ حدود ۸۲ درصد از کمپانی های کانادایی روش استخدام پیمانی را پیش گرفته بودند در حالی که ۱۰ سال پیش این آمار فقط ۴۳ درصد بود. در سال ۱۹۶۶ برای هر بازنشسته، تعداد ۸ نفر شاغل وجود داشت، این میزان در سال ۲۰۰۴ به ۵ نفر رسید و در سال ۲۰۳۵ به ۲ نفر تقلیل خواهد یافت این گزارش اداره آمار نشان دهنده این است که بازنشستگی دولتی و پانسیون های ایالتی رفته رفته از بین خواهند رفت که خود بحثی جداگانه است.